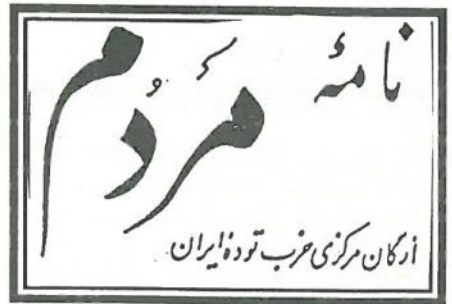


نکاتی از گزارش سازمان عفو بین الملل پیرامون نقض آشکار حقوق بشر در ایران

- به گزارش سازمان عفو بین الملل، اعدام های سیاسی در ایران نه تنها خاتمه نیافته است، بلکه به اشکال مختلف ادامه دارد.
- سازمان عفو بین الملل در انتهای گزارش اعلام می دارد که مقامات جمهوری اسلامی ایران مکررا سوالات مشخص سازمان عفو بین الملل پیرامون نقض حقوق بشر در ایران را بی جواب گذاشته اند. سازمان عفو بین الملل خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی ایران است.

ص ۳



شماره ۳۴۱، دوره هفتم،
سال هفتم، ۲ بهمن ۱۳۶۹

هرچه زودتر بهتر

تفسیری کوتاه پیرامون نامه ای کوتاه و جالب

در نامه ای که از تهران برایمان ارسال گردیده، یکی از دوستانمان، زیرعنوان "تکنولوژیست ها چگونه می اندیشند" می نویسد:

"در بین همه هواداران گروههای چپ، بحث زایی در زمینه راه رشد آینده و الگوی توسعه جریان دارد. بعضی ها به توسعه کشاورزی براساس مکانیزه کردن، تکیه می کنند و در رشته صنعتی هم ضرورت تولید ماشین آلات کشاورزی را مطرح می سازند. بعضی دیگر به ایجاد صنایع مادر و مدرنیزه کردن اینگونه صنایع در کشور اعتقاد دارند. هستند افرادی که معتقد به توسعه

ادامه در ص ۷

روند. بدون شك، این تلاش وقتی غنی تر خواهد شد که اعضا و هواداران حزب نیز در آن شرکت فعال داشته باشند، یعنی نظرات خود را در هرشکلی که مایل باشند (حتی در شکل طرح های جدید متغایر با آنچه ارائه شده) به کمیسیون تشکیلات خارج ارسال دارند.

تجربه گذشته نشان می دهد که بهتر خواهد بود، اگر بحث پیرامون طرحها در حوزه ها مشترکا انجام گیرد و نظر اصلاحی و یا نوین مشترك، ارسال گردد. در اینصورت کار تنظیم مجدد طرحها برپایه پیشنهادهای رسیده، سهل تر خواهد بود و وقت کمی خواهد گرفت.

به نظر می رسد ۳ تا ۴ ماه برای بررسی طرحها کافی باشد. بدینسان اگر رقبا از روزی که روزنامه به دستشان رسیده تا ۳ ماه دیگر پیشنهادهای خود را ارسال دارند، کمک ارزنده ای به تسریع دعوت کنکره خواهند کرد.

در این روزها، برخی از رقبا موضوع برخورد

ادامه در ص ۷

دو طرح برنامه و اساسنامه، منتشر شده در "نامه مردم" هم اکنون در اختیار اعضا و هواداران حزب قرار دارد. نیازی به تکرار نیست که این دو طرح قسط پایه بحث و آغاز کار است و هدف از تنظیم و انتشار آنها، تسریع در تحقق بخشیدن به مهمترین و یگانه مصوبه پلنوم فروردین ماه ۶۹ درباره فراخوان کنکره سوم حزب در فاصله دو سال تعیین شده است.

انتشار طرحها گام مهم و نخست در پیشروی به سوی کنکره سرنوشت ساز حزب است. چرا سرنوشت ساز؟ برای اینکه در شرایط بحران در نهضت کارگری و کمونیستی و از همه مهمتر در اوج بحران ساختاری در کشور ما که میلیونها انسان گرفتار پیامدهای مخرب آن هستند، حزب توده ایران باید اولاً خود را از بار سنگین اشتباهات گذشته نهضت که ما نیز در آن شرکت داشتیم رها سازد و ثانیاً، با کنار گذاردن دگماتیسم و سکتاریسم، راه نجات مردم را از بحران ساختاری کنونی حاکم بر ایران پیدا کند. در هر دو مورد باید انعطاف پذیری مرکز قتل تاکتیک و استراتژی ما را تشکیل دهد. تنظیم کنندگان طرح های برنامه و اساسنامه کوشیده اند تا در این راه پیش

چرخ های ماشین جنگی کشتار انسانها بکار افتاد

مخرب جنگ در خلیج فارس شوم. در این باره زهاد سخن می گویند. هر جنگی مخرب و دردآور است و مصائب فراوانی همراه دارد. آنچه برای مردم اهمیت دارد، موضوع حیاتی تعیین سرنوشت انسانها از جانب امپریالیسم آمریکاست.

ما، آگاهانه روی عملکرد امپریالیسم آمریکا

ادامه در ص ۲

یادواره

رفیقای شهید

محمد حسین امیر هاشمی

ص ۴

گیرد.

قبل از هر چیز برای ما سرنوشت صدها هزار انسان بیگناه در عراق و کویت بطور کلی در منطقه مطرح است که باید قربانی سیاست صدام حسین از سوئی و امپریالیسم آمریکا و همدستانش در خاور نزدیک از سوی دیگر، گردند. این انسانها از کودک و زن و پیرمرد گرفته تا سربازان در جبهه های جنگ از هر دو طرف، هیچ شرکتی در اتخاذ تصمیم پیرامون سرنوشت خود نداشته اند. علت نیز روشن است. جنگ برسر نفت است و اینگونه "مسائل سرنوشت ساز" را فقط انصارها و همدستانشان در دولت های متمرکز حل و فصل می کنند. بی سبب نیست که در تظاهرات ضد جنگ در اروپا و آمریکا شعار اصلی مخالفت با خوردنریز بخاطر نفت بود. ما نمی خواهیم در این مقال، وارد پی آمدهای

جنگ در خلیج فارس آغاز شد. تلاش میلیونها انسان در سراسر اروپا و آمریکا برای جلوگیری از کشتار انسان های بیگناه بخاطر دستیابی انحصارها به نفت نتیجه ای نداد. در این تردیدی نیست که اگر کویت صحرایی می بود غیرقابل زیست و فاقد منابع عظیم نفت نه صدام حسین هوس اشغال آن را می داشت و نه ایالات متحده آمریکا بلافاصله پس از اشغال کویت، بدون کوچکترین مشورتی با شورای امنیت، نیروی عظیم نظامی مجهز به سلاح های مدرن را روانه عربستان سعودی می کرد. در آن روزها واشنگتن هدف از اعزام نیرو را دفاع از عربستان سعودی در مقابل تهاجم احتمالی عراق اعلام کرد. در حال حاضر که ما این تفسیر را برای چاپ آماده می کنیم اطلاعات دقیقی درباره تلفات انسانی و خسارات وارده در زمینه بمباران همه فرودگاهها و مواضع استراتژیک عراق در دست نیست. اما، مسلم است که نیروهای نظامی متمرکز در عربستان سعودی و خلیج فارس و شیخ نشین ها بر نیروهای نظامی عراق برتری دارند. دراینکه عراق این جنگ را خواهد باخت تردیدی نیست. اما پیروزی آمریکا و متحدانش به چه قیمتی تمام خواهد شد، می تواند مورد بحث قرار

ما، کشتار انسانهای بی گناه در منطقه، خلیج فارس را محکوم می کنیم!

چرخ های ماشین ...

انگشت می گذارم. مگر نه این است که واشنگتن خیلی قبل از تصویب قطعنامه ۶۷۸ نیروهای مسلح خود را به منطقه خلیج فارس گسیل داشت؟ بوش، پس از آغاز بمباران عراق در سخنرانی تلویزیونی از جمله گفت که واشنگتن قطعنامه شورای امنیت را مورد اجرا می گذارد. موضوع دیگر طرح شده از جانب وی که در رسانه های گروهی هم تکرار می شود، مسئله ماهیت استبدادی رژیم حاکم بر عراق است. جای آن دارد تا درباره هردوی این مسائل نظر داده شود.

همه می دانند قطعنامه ۶۷۸ از جانب آمریکا تنظیم گردید و پس از سلسله مذاکرات سیاسی همراه با فشار به کشورهای عضو ناتو و نیز اتحاد شوروی که در نتیجه بحران گسترده داخلی تضعیف شده، محمول گردید. از اعضای ثابت شورا فقط دولت چین رای مثبت داد.

رویدادهای هفته های اخیر بطور عیان نشان داد که به استثنای انگلستان، همه دولت های عضو ناتو علاقه چندانی به آغاز جنگ ندارند. و خواهان حل بحران از طریق مذاکرات سیاسی هستند. پیشنهاد شش ماده ای رئیس جمهور فرانسه که مورد حمایت همه کشورهای اروپای غربی و نیز اتحاد شوروی بود به شکل توهمین آمیزی از جانب بوش رد شد و شورای امنیت حتی نتوانست آن را به مذاکره بگذارد. بوش خواستار پاسخ به تجاوز با تجاوز بود. البته این بار با تجاوز خونین تر و با مهر و امنای شورای امنیت سازمان ملل متحد که آن را "مظهر" اراده "جامه بشری" نام گذارده اند.

اگر قرار باشد تا پاسخ تجاوز را با کشتار خونین صدها هزار کودک و زن و مرد داد، چگونه می توان انتظار داشت که فردا امپریالیسم آمریکا به عنوان نیروی نظامی و اقتصادی بزرگ جهان امیال آزمندانده خود را این بار زیر پوشش "اراده جامه بشری" در جای دیگری آزمایش نکند.

سازمان ملل متحد و شورای امنیت برای حفظ صلح و دفاع از آن بوجود آمده اند. آیا با تبدیل سازمان ملل متحد به ژاندارم بین المللی تحت فرماندهی آمریکا، می توان به صلح خدمت کرد؟ بوش که با امرای روی اجرای قطعنامه شورای امنیت تکیه می کند، افکار عمومی جهان را فریب می دهد. تا چند روز پیش کنگره آمریکا حاضر به پذیرش حق آغاز جنگ از جانب رئیس جمهور نبود. اگر کنگره آمریکا چنین اجازه ای را در آخرین ساعات به بوش نمی داد، قطعنامه ۶۷۸ شورای امنیت به تکه کاغذی میدل می شد که هیچگاه نمی توانست بوقع اجرا گذارده شود. آیا این خود گویای فرمانروایی مطلق امپریالیسم آمریکا بر رویدادها نیست؟ آیا در چنین شرایطی می توان از نوادپیشی در زمینه حل مسألت آمیز اختلاف های میان کشورها و پایان "جنگ سرد" و ... سخن به میان آورد؟

بوش در سخنرانی پیشگفته مدعی شد که نیروهای نظامی ۲۸ کشور، دوشادوش هم در مقابل عراق ایستاده اند. این ادعا هم در تضاد با واقعیت است. در حملات هوایی فقط هواپیماهای چکنده آمریکا وانگلستان و یکی دو کشور دیگر شرکت داشتند.

بوش حلت آغاز بمباران هوایی عراق و کویت را چنین بیان کرد: "مردم جهان دیگر حاضر نبودند انتظار بکشند". در اینجا هم امپریالیسم آمریکا خودسرانه خود را سخنگوی مردم جهان معرفی

می کند. آنچه ما تاکنون ناظرش بوده ایم، تظاهرات ضد جنگ در اروپای غربی و آمریکا بوده است. خواست بی صبرانه مردم خواهان جنگا طبق آخرین آمار نذرخرومی ها، ۶۶ درصد اهالی آمریکا خواهان تن در دادن آمریکا به دعوت کنفرانس بین المللی برای حل مضطبات خاورمیانه و مسئله فلسطین به عنوان خواست صدام برای تخلیه کویت، هستند. ۶۹ درصد مردم فرانسه حاضر به قربانی شدن در راه کویت نیستند، گرچه افسال آن کشور را محکوم می کنند. ۷۰ درصد ساکنان آلمان مخالف سرسخت جنگ در خلیج فارس هستند.

در گذشته دور و نزدیک نیز، هر زمان که واشنگتن کشوری را مورد پورش نظامی قرار می داد، بهانه های مشابهی پیش کشیده می شد. بوش می گوید، تصور تصرف کشور کوچکی از جانب کشور بزرگتر، غیرقابل تحمل است. آری این واقعیتی است انکارناپذیر اما، شنیدن این سخنان از زبان رهبر کشوری که در دو دهه اخیر دولت هایش مبتکر این "اصل" بوده و مرتکب جنایات بیشماری شده اند، حیرت انگیز است. مردم جهان جنایات های بیشمار آمریکا را در ویتنام و کامبوج و لائوس و گرانادا و پاناما هیچگاه فراموش نخواهند کرد، گرچه عفریت تجاوز و جنگ بخواد خود را فرشته صلح و آزادی جلوه دهد.

آری، مردم جهان با هر تجاوزی و از جمله تجاوز عراق به کویت مخالفتند. آنچه مردم می خواهند پایان دادن به جنگ به عنوان حل بحرانی، و توسل به حل آنها از طریق مسألت آمیز، مذاکرات سیاسی، محاصره اقتصادی و ... است.

حزب توده ایران مخالف سرسخت اشغال اراضی دیگر کشورهایست. ما، خواهان بیرون بردن بدون قید و شرط نیروهای اشغالگر عراق از کویت بودیم. اما همیشه روی حل مسألت آمیز بحران انگشت می گذاشتیم. زیرا ما، مخالف استقرار نیروهای نظامی آمریکا در منطقه بوده و هستیم. ما بخری می دانیم که امپریالیسم خصلت تجاوزکارانه خود را از دست نداده است.

بوش در سخنرانی تلویزیونی مسئله "استقرار نظام نوین" در جهان و پایان دادن به "حاکمیت قانون جنگل" در مناسبات میان کشورها و نقش موثر سازمان ملل در حل اختلافها را هم مطرح کرد. آیا به این وعده های میان تهی می توان اعتماد کرد؟ اگر آمریکا واقعا هم به "استقرار نظام نوین" در جهان متعهد است، در اینصورت به چه علت صدها پایگاه نظامی پراکنده در سراسر جهان را کماکان حفظ کرده و حاضر نیست از آنها دست بکشد؟ آیا هدف نهایی این پایگاهها ادامه "حاکمیت قانون جنگل" به معنای قوی ضعیف را نابودی می کند، نیست؟

می توان پرسید: آیا پس از پایان جنگ در منطقه، ایالات متحده حاضر خواهد شد عدالت در خاور نزدیک و میانه مستقر گردد و قطعنامه مشابه ۶۷۸ درباره بیرون راندن نیروهای تجاوزگر اسرائیل از اراضی اشغالی به تصویب رساند و حق مسلم خلق عرب فلسطین را به وی بازگرداند؟ از هم اکنون می توان با اطمینان گفت که امپریالیسم آمریکا هیچگاه تن به اتخاذ چنین تصمیمی نخواهد داد. شاید واشنگتن به دعوت کنفرانس بین المللی برای حل مضل خاور نزدیک رضایت بدهد، اما دولت اسرائیل مانند همیشه کوچکترین اهمیتی به آن نخواهد داد. فعلا، اسرائیل به ترور کشتار فلسطینی ها هم در مناطق اشغالی و هم در خارج از آن ادامه می دهند و آب از آب تکان نمی خورد.

موضوع دیگر، مربوط به مسئله "دیکتاتوری"

است. آری صدام حسین دیکتاتور عراق است. آنچه عیان است حاجتی به بیان ندارد. حرف برسر آن است که وقتی همین دیکتاتور میهن ما را هدف تجاوز خویش قرار داد، مورد حمایت همه جانبه آمریکا و دیگر کشورهای بزرگ و کوچک اروپا قرار گرفت. وانگهی، مگر حکام کویت و عربستان سعودی و شیخ نشین های خلیج فارس و پاکستان و ترکیه و ایدونزی و کره جنوبی و السالوادور و ... دوستان نزدیک واشنگتن در زمره دیکتاتورهای خونخوار نیستند؟ مگر رهبران "میانه رو" جمهوری اسلامی که همه کشورهای صنعتی رشد یافته با وجود جنایات عظیمی که آنها در سال های اخیر مرتکب شده اند و می شوند زیر پوشش حمایت "جهان متمدن غرب" قرار ندارد؟

نتیجه جنگ در منطقه

جنگ ادامه دارد. می گویند هزاران نفر قربانی جنگ شده اند. بیش از یک میلیون سرباز تا دندان مسلح در جنگ شرکت دارند. می گویند فاجعه ای که ادامه جنگ با بکارگیری انواع سلاح های شیمیایی و باکتریولوژیک و ... می تواند ببار آورد، غیرقابل تصور است. اگر جنگ طولانی باشد بی آمدهای مخرب آن برای اقتصاد کشورهای رشد یافته فاجعه بار خواهد بود. در اینکه اقتصاد کشورهای رشد یافته صنعتی هم دچار رکود خواهد شد، تردیدی نیست. اما، همه اینها در مقابل کشتار بیش از ۱/۵ میلیون اهالی بیگناه، حائز اهمیت نیست. این رقمی است که کارشناسان نظامی آمریکا عرضه داشته اند. آیا می توان با چنین خونریزی موافقت کرد؟

هدف جنگ و کشتار، بازگرداندن حکام میلیاردی کویت بر حاکمیت است. در عین حال واشنگتن می خواهد خانواده ابن سعود را بر اریکه سلطنت حفظ کند. ولی همه این محاسبات پیشیزی ارزش ندارد. آغاز جنگ در منطقه (صرفنظر از چگونگی پایان آن) برای مدت طولانی خاور نزدیک را با بی ثباتی روبرو کرده است. با اطمینان تمام می توان گفت که هیچیک از شیوخ دست نشانده امپریالیسم آمریکا نخواهند توانست حکمروایی خود را برای مدت زیادی حفظ کنند. جنگ خونین و کشتار اعراب با بپ های آمریکایی و انگلیسی آغاز پایان تقریباً اکثر سران کنونی کشورهای عربی است. حتی سرنوشت سران کشورهای نظیر مصر و سوریه و مراکش و ... همکاران امپریالیسم آمریکا نیز زیر علامت سؤال است. تصادفی نیست که هم سوریه و هم مصر از شرکت در جنگ علیه عراق شانه خالی می کنند وهدف اعزام نیرو را دفاع از عربستان سعودی می دانند. اگر آغاز عملیات تروریستی در سراسر جهان را به آنچه گفته شد بیافزاییم به قول معروف نه بر مرده، بر زنده باید گریست. نیازی به تذکر نیست که آرزوی واشنگتن دایر بر حضور نظامی دائمی در خلیج فارس هم برای همیشه به گور سپرده خواهد شد.

به نظر ما، به خونریزی وحشیانه باید هرچه زودتر خاتمه داده شود. نیروهای اشغالگر عراق باید خاک کویت را ترک گویند. وقت آن رسیده تا به عمر نامیون دیکتاتورهای مذهبی و غیرمذهبی در خاورمیانه و نزدیک هرچه زودتر پایان داده شود.

مردم این کشورها قربانیان فراوانی در راه آزادی داده اند. تا زمانی که رژیم های خونخوار پشیمانی کشورهای صنعتی فرمانروایی می کنند، آرامش و ثبات به منطقه باز نخواهد گشت. این حکم تاریخ را نباید فراموش کرد.

نکاتی از گزارش ...

بدنبال انتشار گزارش افشاگرانه نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد پیرامون جنایات جمهوری اسلامی، سازمان عقوبین الملل در گزارشی مفصلی که روز ۴ دسامبر مطابق با (۱۴ آذرماه) در لندن منتشر ساخت، دولت جمهوری اسلامی را بخاطر زیرپا گذاردن حقوق بشر، دستگیری های غیرقانونی، شکنجه و اعدام های دسته جمعی به شدت محکوم کرد.

گزارش سازمان عقوبین الملل که سال های ۱۹۸۷-۱۹۹۰ را دربرمی گیرد در بخش های مختلفی به افعال غیرانسانی رژیم جمهوری اسلامی برخورد کرده است. ما بخش هایی از این گزارش را در اینجا نقل می کنیم؛

"قتل عام ۱۹۸۸"

در اواسط سال ۱۹۸۸ شکل اعدام های سیاسی در ایران از حالت اعدام های پراکنده، به شکل دراماتیک کشتار جمعی، که به مدت چند ماه بطول انجامید تغییر کرد.

حتی اکنون، پس از گذشت دوسال از این واقعه، مشخص نگردیده است که چه تعداد جان خود را در عرض شش ماه بین ژوئیه ۱۹۸۸ تا ژانویه ۱۹۸۹ (تیرماه تا دپاه ۱۳۶۷) از دست داده اند.

سازمان عقوبین الملل نام ۲۰۰۰ زندانی سیاسی را در اختیار دارد که گمان می رود در این دوره اعدام گردیده اند. سازمان های مخالف حکومت و از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران اعتقاد دارند که رقم واقعی بسیار بالاتر است. در گفتگویی با تلویزیون فرانسه در فوریه ۱۹۸۸ هاشمی رفسنجانی گفت: که تعداد زندانیان اعدام شده در ماههای گذشته کمتر از ۱۰۰۰ نفر است.

از هنگام وقوع این جریانها، سازمان عقوبین الملل با بسیاری از خانواده های اعدام شدگان و تعدادی از زندانیان سیاسی سابق که به هنگام کشتار جمعی در زندان حضور داشته اند، مصاحبه کرده و اطلاعات وسیعی، بصورت نوشته، از بسیاری از ایرانیانی که دوستان و آشنایان آنان در میان اعدام شدگان بوده اند دریافت داشته است. این گزارشات، به همراه اظهارنظرهای شخصیت های حکومت ایران سازمان عقوبین الملل را قانع کرده است. که در مدت آن شش ماه بزرگترین موج اعدام های سیاسی، پس از اوایل سال های ۱۹۸۰، در زندان های ایران بوقوع پیوسته است...

اعدام های سیاسی در بسیاری از زندانها در سراسر ایران انجام گرفت... بسیاری از اعدام شدگان کسانی بودند که قبلا در دادگاههای جمهوری اسلامی محاکمه و محکوم به زندان شده بودند... جرم بسیاری از آنان پخش روزنامه، اعلامیه، شرکت در تظاهرات و یا جمع آوری کمک مالی برای خانواده های زندانیان سیاسی بوده است... اکثریت اعدام شدگان را هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران تشکیل دهند، ولی سدهاتن از اعضا و هواداران سازمان های سیاسی شامل گروههای مختلف فدائیان، حزب دموکرات کردستان، راه کار... سایرین نیز در میان اعدام شدگان بچشم می خورد...

در گزارش سازمان عقوبین الملل جزئیات زیادی پیرامون گورهای جمعی اعدام شدگان و چگونگی برخورد غیرانسانی مقامات جمهوری اسلامی با خانواده های زندانیان سیاسی اعدام شده بچشم می خورد. براساس گزارش سازمان عقوبین الملل، دستور

اعدامها توسط "کمیسیون مرگ" که به زندان های مختلف ایران ارسال شده بود، پس از محاکمات مسخره ای که بیش از چند دقیقه بطول نمی انجامید، صادر گردیده است.

در صفحه ۱۷ گزارش سازمان عقوبین الملل می خوانیم؛

"... یک شاهد ماجرا در زندان گوهردشت معتقد است که در تابستان سال ۱۹۸۸ بین ۹۰۰ زندانی مجاهد و ۶۰۰ زندانی چپی، ۶۰۰ زندانی مجاهد و ۲۰۰ زندانی چپی اعدام گردیدند. در زندان اوین نسبت اعدام های انجام شده به نسبت کل زندانیان بسیار بالاتر بوده است..."

به گزارش سازمان عقوبین الملل، اعدام های سیاسی در ایران نه تنها خاتمه نیافته است بلکه به اشکال مختلف ادامه دارد.

در صفحه ۱۸ و ۱۹ گزارش از جمله آمده است؛

"از فوریه سال ۱۹۸۸ گزارش های نامرتبی پیرامون اعدام زندانیان سیاسی که در ملاء عام بوقوع پیوسته است به دست ما رسیده است. به عنوان نمونه در ماه مارس ۱۹۸۸ محمد و سعیدخان نوری در میدان عباسعلی گرگان از یک جرقه قتل حلق آویز شدند. آنها از سال ۱۹۸۴ به جرم تحریک مردم به قیام، در زندان بسر می بردند.

در ۲۸ مارس ۱۹۹۰ حکم اعدام دو مرد به جرم همکاری با گروههای مسلح و "ضدانقلاب" در دادگاه انقلاب اسلامی زاهدان صادر و اجرا گردید. گزارشاتی پیرامون اعدام های مخفیانه زندانیان سیاسی نیز به دست ما رسیده است. بدنبال ترور دکتر عبدالرحمان قاسملو، رهبر حزب دموکرات کردستان، در شرایطی که دخالت ایران در این امر روشن بود، مقاومت علیه دولت ایران بالاگرفت و برخوردهای مسلحانه در کردستان ایران تشدید گردید. براساس گزارشات رسیده مقامات جمهوری اسلامی در مقابله با این عمل زندانیان گرد را در ستنندج وارومیه اعدام کرد. اعدام زندانیان گرد در سال ۱۹۹۰ نیز ادامه داشته است.

سایر زندانیان سیاسی به عنوان زندانیان عادی اعدام شده اند. این زندانیان در میان صدها قاچاقچی و سایر زندانیان عادی در سال های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ به جوخه های اعدام سپرده شده اند. به عنوان نمونه در ۱۷ اوت ۱۹۸۹ حکومت ایران اعلام کرد که ۷۹ قاچاقچی در شهرهای مختلف ایران اعدام گردیده اند. در میان اعدام شدگان، این زندانیان سیاسی بچشم می خوردند؛ محمد یونسی (اعدام شده در همدان)؛ محمد گلای ابراهیمی (اعدام شده در رشت)؛ بیژن بیگلری (اعدام شده در کرمانشاه)؛ بهرام کاظمی و مسعود ثابت (اعدام شده در شیراز).

سازمان عقوبین الملل تا کنون هیچگونه جوابی پیرامون جرم این زندانیان از مقامات جمهوری اسلامی دریافت نکرده است..."

در گزارش سازمان عقوبین الملل همچنین آمده است که؛ هزاران زندانی سیاسی در ایران وجود دارند و از قول داود کریمی یکی از مقامات بلندپایه کمیته های انقلاب اسلامی می نویسد؛ او در سال ۱۹۸۸ ادعا کرد که در ایران حدود ۹۰۰۰ زندانی سیاسی از گروههای مختلف وجود دارند.

گزارش به صورت مفصل به پورش مقامات جمهوری اسلامی، در تابستان سال ۱۹۹۰، به نهضت آزادی و دستگیری اعضای این نهضت برخورد می کند.

در گزارش می خوانیم؛ "سازمان عقوبین الملل تمامی دستگیرشدگان در ارتباط با "نامه سرکشاده" را به عنوان زندانی سیاسی می شناسد و برای آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان تلاش می کند... تجربه هواداران دکتر بازرگان، که در

عرض سه سال گذشته تنها نیروی سیاسی بودند که تلاش می کردند در چارچوب قوانین ایران فعالیت سیاسی بکنند. نمایانگر عدم تحمل هیچگونه مخالفتی از سوی مقامات حکومتی ایران و اعتقاد آنان به سرکوب هرگونه مخالفتی است... ادامه سرکوب فعالیت های سیاسی دکتر بازرگان و هواداران او پوچ بودن ادعاهای مقامات دولت ایران و از آنجمله وزیر اطلاعات، محمد ری شهری که در ۱۴ فوریه سال ۱۹۸۹ اعلام کرد؛ "من در اینجا با قاطعیت اعلام می کنم که حتی یک نفر در این مملکت بخاطر عقایدش دستگیر نشده و هیچگاه هم چنین اتفاقی صورت نخواهد گرفت"، را بوضوح نشان می دهد..."

بخش دیگری از گزارش سازمان عقوبین الملل (از صفحه ۴۲ به بعد) به زندانیان سیاسی که مدت های طولانی است در زندان بسر می برند اختصاص یافته است و در این بخش از جمله می خوانیم؛

"تعدادی از این زندانیان آنچنان مشهور هستند که نامبردن از آنان نمی تواند بیش از این وضع آنان را به خطر بیناندازد. این زندانیان نمونه بارزی از تعداد زیادی از زندانیان سیاسی زن و مرد هستند که به خاطر عقاید سیاسی و فعالیت شان در این زمینه به زندان افتاده اند.

در میان زندانیانی که هم اکنون در زندان اوین بسر می برند می توان از مریم فیروز و ملکه محمدی نام برد که از تاریخ غیرقانونی شدن حزب توده ایران در سال ۱۹۸۳، تاکنون در زندان بسر می برند.

آنان از اعضای رهبری سازمانی بودند که به هنگام دستگیری شان بطور قانونی در ایران فعالیت می کردند..."

فصل چهارم گزارش سازمان عقوبین الملل به انواع شکنجه ها در زندان های ایران اختصاص داده شده است. در این بخش جزئیات زیادی از چگونگی برخورد غیرانسانی مقامات زندان با زندانیان سیاسی و شکنجه های حیوانی در سیاهچالهای رژیم منتشر گردیده است...

در صفحه ۴۵ گزارش، سازمان عقوبین الملل با استناد به نامه دکتر احمد دانش می نویسد؛

"دکتر احمد دانش، جراح، در موج اعدام های سیاسی در سال ۱۹۸۸ اعدام گردید. او از سال ۱۹۸۳ بخاطر حمایت از حزب توده ایران در زندان بسر می برد. در ماه مه ۱۹۸۷ او از زندان اوین نامه ای به آیت الله منتظری، که در آن هنگام جانشین آیت الله خمینی بود، نوشت. کپی این نامه پس از مرگ او به دست سازمان عقوبین الملل رسید. در این نامه او اعلام کرد که قانون مملکت، اسلام و قوانین اعلام شده رهبری جمهوری اسلامی در زندان اوین اجرا نمی گردد. او نوشت؛

با وجود اینکه شکنجه در قانون ما منع گردیده است، من شکنجه شده ام و دیگرانی را دیده ام که شکنجه شده اند. من با چشمان خودم کسانی را دیدم که از شدت شکنجه به روی زمین می خزیدند. من کسانی را دیده ام که از شدت شکنجه و درد و زخم های وارده بشدت استفراغ می کردند. آنها آنقدر آب بدنشان رفته بود که پوست بدنشان خشک شده بود و هرآن امکان مرگشان می رفت. من کسانی را دیده ام که ادرازشان اکثرا خون بود و به ماشین کلیه وصل شده بودند زیرا کلیه آنها بر اثر زدن های شدید از کار افتاده بود..."

سازمان عقوبین الملل در انتهای گزارش اعلام می دارد که مقامات جمهوری اسلامی ایران مکرراً سلوالات مشخص سازمان عقوبین الملل پیرامون نقض حقوق بشر در ایران را بی جواب گذاشته اند. سازمان عقوبین الملل خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی ایران است.

یادواره رفیق شهید: محمد حسین امیرهاشمی

سر داد

اما

سر نداد



محمد حسین امیرهاشمی در یکی از محله های قدیمی شهر تبریز و در یک خانواده کارگری توده ای چشم به جهان گشود. از همان اوان کودکی در شرایط رنج ونداری زیست و بزرگ شد. بیکاری و بیماری و بی خانمانی را در همان خانواده و محله با پوست و گوشتش لمس کرد و با مرگ زودرس پدر مزه تلخ بی سرپرستی را چشید. در عین حال، با زندانی شدن برادرش رابطه این پدیده های شوم را با عقب ماندگی جامعه اش دریافت و دل مهربان و حساس او در پشت دیوارها و میله های زندان پرازیکته و حس انتقام نسبت به مسببین این همه قتر و پیداد یعنی رژیم شاه شد. با اوجگیری جنبش علیه رژیم شاه، محمد باسری پرشور و دلی سرشار از عشق به حزب توده ها و اخلاقی متین و عزمی راسخ در صفوف مقدم جنبش انقلابی شرکت کرد. در روزهای قیام بهمن ماه او در لباس پارتیزان های توده ای ظاهر شد و برای فتح سنگرهای انقلاب سلاح بردوش گرفت و رزمید.

انقلاب بهمن فرا رسید و محمد به عنوان یکی از مسئولین سازمان جوانان توده ایران شب و روز دمی از فعالیت بازنایستاد و برای دفاع از انقلاب و تمیق سواد سیاسی خود و سپس در پی فراخوان حزب روانه جبهه های جنگ شد و جانانه از میهن دفاع کرد.

هنگام یورش به حزب توده ایران در سال ۶۱ به میان کارگران نقاش رفت و در راه ارتقاء آگاهی و کسب حقوق شان فعالانه به مبارزه برخاست.

در اسفند ماه سال ۶۳ به چنگ ماموران جمهوری اسلامی افتاد و عمال رژیم مدت ها خانواده اش را از سرنوشت وی بی خبر گذاشتند و عاقبت بعد از چهار سال یعنی در سال ۶۷ از جسم بی جان و لهیده وی به خانواده اش اطلاع رسید. محمد جان شیرینش را فدای آرمان های مقدس حزب در راه صلح و استقلال میهن، آزادی مردم و عدالت اجتماعی نمود. او سر داد اما سر نداد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

از محمد چند شعر به زبان شیرین آذربایجانی که نشان از ایمان پایداری به خلق و عواطفش دارد بیادگار مانده است.

"دوستاق" "دا"

گوزلریمی باغلاسان دا باغلاماز اوره گیم وجودومو دوغراسان دا یاشایاجاق دیله گیم اوره گیمده گونش بویدا اومودوم وار صاباحا خالق عشق ایله یانان اوره ک کوله دوغمز بیرداهما

جلاد سنله دایانمیشام من اوز اوزه دونیادا آلماندا "دیتری یف" محکمه سین سال یادا یادینداییر ویتنام دا "دوان تروی لا" گوروشون؟ او وور دوغون بهتلانلارایچون نه پای آلدین بیردوشون

اسارتده گوره نمیرم زحمت چکن ائلیمی ایلك شعاریم استقلاللا من آچدیق جادیلیمی سرمایه دار، خان، بیگ منی خائن دییب چاغیردی آمریکانین نوکرلری جاسوس دییب باغیردی.

آلانمادیم نه ثروته، نه شهرته، نه آدا صلح قوشوقاناد آچسین دئدم بوتون دونیادا خالق میزین سعادتی اولدو منیم شعاریم شن فراوان حیات سورسون منیم دوغما دیاریم.

من عدالت جارچی سیام حقیقت دهر دیلمده منیم علمی فلسفه نین مشعلی وار الیمده آرزولاریم آیدان آری داغ لار قدر اولدور منیم یولوم استقلالین، آزادلیغین یولودور.

۱۳۶۳

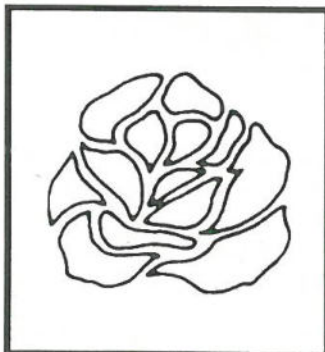
برای ادامه راه...

خاطره و یادبود شهید خود را از کجا شروع کنم. مدت ۱۰ سال در زندان اوین بودن و اجازه ملاقات هم نداشتن چه خاطره ای از او باقی می گذارد. یا اینکه روزی نامه ای از ایران برسد و تنها یک جمله از آن نقش بسته که مسعود مرد. چطور می توان در دوکلمه خاطره و یاد یک انسان، یک مبارز را زنده کرد؟ اما شاید شما بتوانید نام و یاد او را زنده سازید. کسی که هرگز از یاد من و خانواده اش نرفته و در این دیار غربت زخمی ست بر دل من و امثال من.

مسعود افتخاری در آذرماه ۱۳۶۷ به همراه چند هزار نفر از امثال او، بعد از ۱۰ سال محکومیت در طلوع آزادی خود، اعدام گردید یادش را گرامی بداریم.

ضمن تشکر از شما و دست اندرکاران، امیدوارم که تقاضای مرا از یاد نبرده و خاطره او را زنده سازیم آرزوی پیروزی شما را دارم.

با تقدیم احترام...



چه لزومی داشت که بارشما و دیگران را سنگین تر کنم. اما یکی از هواداران سازمان شما مرا وادار ساخت که سکوت و دم نزدن خیانتی است به او و امثال او در این راه. اگر اسم او از لیست اسامی شهدا از قلم افتاده، دلیلی نیست که تو نیز در این کار از پا بنشین. علاوه بر آن در روزنامه شما خوانده بودم که یاد و خاطره شهید خود را برای شما ارسال کنیم، تا لااقل دلیلی بیشتر باشد

نامه ای رسیده از ...

حضور محترم سردبیر و کارکنان

از فاصله نه چندان زیاد، از آلمان، از دهکده دوراتقاده سلام گرم و دوستانه مرا بپذیرید. امیدوارم روز به روز در راه انجام مقصودتان پیروز و موید باشید.

اینجانب... به عنوان یک ایرانی همراه با شما و دیگر ایرانی های اینجا و آنجا روزها را در غربت به شب می آورم تا بلکه روز موعد فرا رسد. و کاروان وامانده از راه، به سرمنزل خود فرودآید. و جای تاسف و صد تاسف هست که در این راه توان فرسا که گاه قاصد شومی خبر بیاورد که فلان رفیق و فلان یار در وطن از پا افتاده اند و شهید شده اند. و رنج و درد این بیک را ما، ما که در تلاش رسیدن به مقصود هستیم به همراه بادیگر مشتاقان باید تحمل کنیم و دم نزنیم... قصد داشتیم که صحبتی از شهید خود نکنم.

ادامه سیاست "آنکه با مانیست پس برماست!"

مقاله رسیده

اعتراض که نگشوده هیچ، گاه مهر تأیید نیز برآن زده است.

نماینده قم صادق خلخالی، وابسته به جناح به اصطلاح "تندرو" در سخنرانی پیش از دستورش در مجلس شورای اسلامی گفت: "... ما می گوئیم قانون را اجرا کنید. ما به آن معنی نمی خواهیم بگوئیم غریبال کنند وقتی مقام رهبری از مقام مرجعیت جدا شود، غریبال نمی خواهد. این همه ریزه کاریها بخاطر تعیین مرجعیت بوده است" و در ادامه سخنانش افزود: "... شماها رادپو دارید. تلویزیون دارید. روزنامه دارید. هرکاری بکنید، می گوئید قانون است. اما اگر کسی اعتراض کند می گوئید ضد ولایت ققیه است".

با ادامه درگیریهای لفظی و گاه فیزیکی دو جناح در مجلس شورای اسلامی، اعتراضات از محدوده مجلس خارج و منجر به درگیری بین هواداران آنها در شهرستانها و خیابانها شد.

آیت الله صانعی، سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد که ابتدا در مقابل حوادث پیش آمده سکوت اختیار کرده بود، روز پنجشنبه ۱۹ مهرماه در حوزه علمیه قم در حضور شاگردانش با ابراز سخنانی مخالفت خود را با جناح رفسنجانی - خامنه ای اعلام داشت. او در سخنانی خطاب به خامنه ای اظهار داشت: "ملت نخواهد گذاشت متحجرین دیروز رشد کنند و به موقع در مقابل آنان بایستد و اینطور نیست که..." وی در ادامه سخنانش نکرانی خود را از "خطرات اسلام آمریکایی، آفت تحجرگرایی و عافیت طلبان دیروز که سیاست گذاران امروز شده اند"، ابراز داشت.

اوج گیری اعتراضات و درگیری ها، جناح رفسنجانی - خامنه ای را مجبور به جلب حمایت سپاه پاسداران و ارتش کرد. حمایت اعلام شده از جانب این دو ارگان مسلح از جناح پیشگفته و انکساکس در جراید وابسته به آنها که ظاهراً نشان از قدرتمندی جناح رفسنجانی - خامنه ای را یدک می کشد، در درازمدت بعید به نظر می رسد که با ترکیب پیچیده داخل سپاه که از هواداران دو جناح و گروههای منفرد قدرت طلب تشکیل شده و وجود احساسات جریحه دارنده و دردناک داخل صفوف ارتش، آینده روشنی را برای گروههای متخاصم پیش بینی کرد.

تازی درمیدان قدرت نزدیک تر شوند. این واقعه را می توان مهمترین حادثه پس از خلق آیت الله منتظری از جانشینی "ولی ققیه"، بدست خمینی که در زمان حیات او بوقوع پیوست، بشمار آورد. و آن را شکست بزرگی برای مخالفان گروه رفسنجانی - خامنه ای، درون هرم حاکمیت دانست. جناح به اصطلاح "تندرو" که خود را در موقعیت کاملاً غیرمنتظره ای می یابد، دست به افشگری و اعتراض گسترده ای از تربیون مجلس شورای اسلامی و روزنامه های وابسته به خود می زند.

اصغرزاده، وزیردادگستری دوره اول نخست وزیری میرحسین موسوی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در سخنرانی پیش از دستور خود در روز ۲۴ مهرماه خطاب به گروه رفسنجانی - خامنه ای گفت: "مردم احساس کردند که در این انتخابات سناریوی تنظیم شده است تا طی آن یک جناح قدرتمند و دلسوز حذف شود و چهره های مبرز و سرشناس خط امام نظیر حضرت آقای کروبی، محتشمی، خلخالی، حاتمی، بیات و خیلی های دیگر کنار گذاشته شوند..."

البته برخلاف تصور آقای اصغرزاده، مردم مدتهاست که امید از این امامزاده بی معجزه بریده اند و رویگردانی آنها هم ارتباطی به خیمه شب بازی انتخابات مجلس خبرگان که دیگر خنده دار هم نیست، ندارد. او در جای دیگر می گوید: "فرستادن آن آدم ساده لوح به محیط دانشگاه و تهدید دانشجویان نشانه ضعف نظام است. اگر بگوئید خودجوش است می گویند چطور خودجوشی است که بصورت حرفه ای ثابت درآمده و هیچگاه کم و زیاد نمی شود. آقایان نظام سیاسی ما احتیاج به شعبان بی مخ ندارد". مال مردم ببری هم چو که مالت ببرند، داد و فریاد برآری که مسلمانی نیست! آقای اصغرزاده که خود وزیردادگستری بوده اند، بیش از هرکس مطلع هستند که چه به روز دگراندیشان رفت و می رود و چماقداران حزب الهی چه فجایعی قبل، در زمان و بعد از صدارت ایشان در مقام وزارت دادگستری، نسبت به مردم کوچه و خیابان بویژه دختران و زنان بی گناه روا داشته و می دارند وایشان در مقام به اصطلاح نماینده مردم در مجلس لب به

همه مردم ایران روز ورود خمینی به ایران و سخنرانی او را در بهشت زهرا به یاد دارند. و بخاطر می آورند که او چگونه با بهره گیری از یک پند قدیمی، خود را مالک و ایران را ملک طلق خود قلمداد کرد. او با ارائه رهنمود برگرفته از پند پیشگفته، به پیروانی که خود نیز به آنها اعتماد چندانی نداشت، نشان داد که "وحدت کلمه" و "همه باهم" فقط پوششی است برای مبارزه و ازپای درآوردن رقبا و همراهانی که او را تا "بهشت زهرا" همراهی کرده بودند؛ تازه اینهمه توطئه زیرپوشش "همه باهم و وحدت کلمه" جدا از تهمت و افترا، ناسزا، ایجاد درگیریهای تصنعی، حمله به خانه ها، گسیل داشتن اوایشا به گردهمایی های احزاب و سازمان های دگراندیش، کتک زدن و بکریوبند و کشتار آنها در بیدادگاههای رژیم بود.

درگیری میان جناح های قدرت طلب در زمان حیات خمینی بنابه ملاحظات او که همچون عامل ترمزکننده ای عمل می کرد، مهار و به جانب وحدت ظاهری سوق داده می شد. ولی پس از فوت خمینی وانتصاب رهبر و دوختن قبا یك شبه "ولایت" به تن خامنه ای، اختلافات و درگیری ایجاد وسیع تری بخود گرفت.

درگیری میان وارثان و جناح های حاکم برسرنوشت کشور، روزبه روز حادثتر و به اوج خود نزدیک تر شده و نصایح و خط نشان کشیدن های "ولی ققیه" (خامنه ای) نیز به دلایل مختلف مثل: شناخت پیشینه یکدیگر، زدویندهای پشت پرده و وجود درجات ققیه و امثالهم، نه تنها علاجی را درپی نداشته، بلکه به ژرفای درگیری های فی مابین نیز افزوده است. اوج این کشمکش ها و درگیری ها در دایره حاکمیت جمهوری اسلامی را می توان در پارگیری های دو جناح و نیز انتخابات مجلس خبرگان مشاهده کرد. هاشمی رفسنجانی که از ابتدای تصدی پست ریاست جمهوری و حرکت لاک پشت وارث به جانب غرب بویژه آمریکا، مورد حمله جناح رقیب بود. با سیاست به نعل، به میخ، توانست بتدریج عناصر صاحب نام وابسته به جناح به اصطلاح "تندرو" را در مراکز تصمیم گیری و اجرایی از کار برکنار و بجای آنها اشخاص مورد اعتماد خود را بگمارد و در این راستا توانست به کمک خامنه ای، یادگار امام (احمدآقا) را نیز به دنبال خود بکشد و به پاداش این همراهی قبا ی "اجتهاد" را به قامت او بیاراید. برای به کمال رسیدن این نقشه از پیش آماده شده، اعلام کردند که مجلس خبرگان را باید کسانی تشکیل بدهند که به درجه اجتهاد رسیده باشند و سپس سنجش این مهم را به عهده شورای نگهبان گذاردند. در حقیقت به گفته اسداله بیات، نماینده مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان دستگاه دیانت سنج و تقواسنج (بخوان جناح سنج) براه انداخته بود؛ منتهی با پیش "آنکه با مانیست پس برماست".

دستگاه جناح سنج رفسنجانی - خامنه ای توانست به راحتی از ورود اشخاصی که از پیروان خمینی و مورد اعتماد او محسوب می شدند به مجلس خبرگان جلوگیری کرده و آنها را خلق سلاح کند. و یک قدم به رویای دل انگیز یک

تصحیح و پوشش

در طرح برنامه، صفحه ۴ مطالب به شرح زیرین تصحیح می شوند؛ عنوان برنامه رشد اجتماعی - اقتصادی؛ در ستون دوم "در هرم حاکمیت" و در بند آخر همان ستون؛ "اقتصاد کشور تک کالایی و وابسته به درآمد نفت است". در طرح اساسنامه، در همه جا کلمه "دبیر" باید جایگزین "صدر" گردد.

هنرمندان چگونه می اندیشند؟

دوستی تحت این عنوان نامه ای برای "نامه مردم" فرستاده و در آن طرز تفکر هنرمندان را ارائه می کند.

پس از تحولات در کشورهای سوسیالیستی و تأثیر این حرکتها بر هنرمندان داخل دیدگاههایی در حال شکل گیری است که برجسته ترین آنها به گمان من چنین است:

- هنر نباید خود را اسیر ماتریالیسم تاریخ بکند!

- برای هنرمند مخاطب مهم نیست. هنر به مثابه تیری است که رها می شود، این تیر در چه تاریخی و در کدام سرزمین به زمین می نشیند مهم است!

- هنرمندان متریقی به شدت از تحولات موجود متأثر شده اند. آنها می گویند کم مانده که سوسیالیسم را به یک سوء تفاهم در تاریخ به حساب آورند!

- به گفته بعضی از هنرمندان سیاستمداران بال هنرمندان را می شکنند!

- برخی از هنرمندان معتقدند که در آینده رهبری سیاسی کشورمان در دست هنرمندان خواهد بود!

- بیشتر هنرمندان به حافظ و شاملو علاقمندند!

- هنرمندی می گفت که برای هنر زمان نمی توان تعیین کرد. مثلاً، اندیشه های حافظ با آنکه مربوط به گذشته است، اما نوتر از اندیشه های ... است که مربوط به دوران حال است. او می گفت از این جهت وی به هنر فرازمانی معتقد است!

- اقتصاد دانان و سیاستمداران نباید برای هنرمندان چارچوب تعیین کنند.

دو خبر از یک نامه

کارخانه نخ تاب اصفهان درسال ۶۹ قیمت ها را در مقایسه با سال گذشته ۳۵ درصد بالا برده است. مواد اولیه این کارخانه (پنبه) از داخل تهیه می شود.

کارخانه ذوب آهن اصفهان هم برای تامین هزینه های خود ۳۵ درصد به بهای تولیدات خود افزوده است.

اعتصاب دانشجویان

دانشگاه آراه

دانشجویان رشته علوم آزمایشگاهی "دانشگاه آزاد" که قرار بود مدرک لیسانس بگیرند، بعد از سه سال و برخی بعد از چهارسال، فهمیده اند که نه مدرک لیسانس، بلکه فوق دیپلم می گیرند - و آنهم پس از پرداخت شهریه سنگین - هر ترمی ۲۰ هزار تومان.

دانشجویان تاکنون دوبار اعتصاب کرده اند. همه دانشجویان این رشته از تبریز و زاهدان در تهران گرد آمدند و به مقامات دولتی مراجعه کردند. آنها برای شکستن اعتصاب وعده هایی دادند که بعداً معلوم شد بی پشتوانه بوده است. آخرین اعتصاب دانشجویان همین دو ماه پیش بود که شش هزار نفر در آن شرکت کردند. دانشجویان اعتصابی با

اتویوس در حرکت بودند تا جلب توجه کنند و همه جا ماموران کمیته آنها را محاصره می کردند. یکی از ماموران کمیته به دانشجویان اعتصابی گفت: "یادتان باشد که در گذشته سازمان امنیت، سازمان بود ولی الان وزارتخانه شده است. حساب کار را هم داشته باشید".

دانشجویان هنوز هم بلا تکلیف هستند.

شرط و شروط

ثبت نام در مدارس

برای ثبت نام در بعضی از مدارس خوب سه شرط لازم است: معدل ۱۹ به بالا، قبولی صد درصد کنکور، پرداخت شهریه بالا. یکی از دوستانم که پسرش دبیرستانی است و معدل ۱۹/۷۵ دارد در دبیرستان البرز ثبت نام کنکور داده و قبول شد. او حاضر بود شهریه بالا هم بدهد ولی مدیر مدرسه به دلیل بهایی بودن از ثبت نام وی خودداری کرده است. دوستم از منطقه و آموزش پرورش کل استان نامه آورده که در آن دستور داده شده از بچه های بهایی ثبت نام بعمل بیاید، ولی مدیر مدرسه زیربار نمی رود.

زده خورده در مدارس

برای نشستن به روی نیمکت

اولاً، بخشنامه ای به مدارس تهران فرستاده و خواسته اند تا از بچه های مناطق زلزله زده، به هیچ وجه ثبت نام نشود تا به منطقه خود بازگردند. ثانیاً، مدارس دولتی وضع اسفباری دارند. حتی در شمال شهر نیز اکثر کلاسها ۶۰ نفره می باشند که همیشه چند نفری جای نشستن ندارند و همیشه بین بچه ها برای نشستن به روی نیمکت جنگ و دعواست. به روی هر نیمکت ۵ نفر دانش آموز می نشینند. ناظم و معلم هم مرتب فریاد می کشند. خلاصه محیط ناسالمی برای بچه ها بوجود آمده است و خانواده ها برای خلاصی از این وضع مجبورند بچه هایشان را در مدارس ملی (غیرانتفاعی) ثبت نام کنند و شهریه مدارس ابتدایی ۲۵ هزار تومان است. ۱۰ هزار کودک به علت فقر خانواده هایشان باید به وضع اسفبار مدارس تن دردهند.

اعتصاب

در کشتارگاه تهران

در هفته اول آذرماه ۶۹ اعتصابی فراگیر در کشتارگاه تهران بوقوع پیوست. هدف های اعتصابگران چنین عنوان شده است: گویا دستمزد کارگران پیمانی این واحد که بصورت هفتگی پرداخت می شود، پرداخت آن دوهفته ای به تعویق افتاده بود. برای دریافت به موقع دستمزد و اضافه دستمزد و نیز پاداش آخرسال همانند دیگر کارگران کشتارگاه، کارگران استخدامی و سایر کارکنان به همراه کارگران پیمانی دست به اعتصاب می زنند. یعنی کارگران رسمی نیز به آنها می پیوندند.

نیروهای سرکوبگر رژیم وارد کشتارگاه شده و می خواسته اند با زور اعتصاب را درهم بشکنند. این روش به کارگران اعتصابی حاصی، گران آمده و با ماموران مسلح کمیته درگیر می شوند. نیروهای تا بن دندان مسلح و سرکوبگر نیز به روی کارگران و دیگر کارکنان که همراه کارگران بودند آتش

می کشایند. حاصل تیراندازی گزیمه های رژیم ۶ تن کشته و چندین زخمی بوده است. یکی از کشته شدگان شخصی به نام حاج فضل الله، دامدار ورامینی بوده است. که پس از رسیدن خبر کشته شدن وی به ورامین، اقوام و وابستگانش کین توزانه به مقر سپاه ورامین حمله ور می شوند و از ساعت ۱۰ صبح روز پنج شنبه به مدت یک روز تمام محل سپاه را در اشغال خود نگاه می دارند. اما با یورش نیروهای اعزامی از تهران، مقر سپاه تخلیه می شود.

تقریباً در همان ایام، کلیه گمرکات ایران نیز به مدت دو روز دراعتصاب بسر بردند. اعتصاب از گمرکات شهرهای اصفهان، تهران، شیراز و مشهد



شروع شده و به بنادر جنوب هم سرایت کرد. اما اعتصاب کنندگان اضافه حقوق و پاداش آخر سال که گویا زرمه قطع آن شروع شده بود، بوده است. متأسفانه اعتصاب کنندگان تهران، بخصوص گمرک فرودگاه با ورود ماموران سپاه مجبور به شکستن اعتصاب می شوند. متأسفانه شهرهای اصفهان، شیراز و مشهد و گمرکات جنوب نیز دست از اعتصاب کشیده و به سرکارهایشان بازمی گردند.

اعتصاب

در پلایشگاههای تهران و اصفهان

کارکنان واحد تولید پلایشگاههای تهران و اصفهان نیز در آذرماه برای افزایش حقوق دست به اعتصاب زده اند. گویا وزیرنفت شخصاً به اعتصابیون وعده اضافه حقوق در حد تورم را می دهد که به گفته رفسنجانی و دولت وی تا حد ۸٪ نگهداشته شده است. اعتصاب با این وعده از گسترش و پویایی فرواتقاده و تمام می شود.

اعتصاب

فرهنگیان

در آذرماه، اعتصاب همه گیر و یکپارچه بخش های وسیعی از فرهنگیان را در شهرهای مختلف از جمله اصفهان، نجف آباد، تبریز، ارومیه، شیراز، تهران، بروجرد، الیگودرز، مشهد و ... دربرگرفته است.

اعتصابیون با ایجاد کمیته های ارتباطات تا دو هفته به اعتصاب ادامه داده و شهرهای مختلف دیگری را با خود هماهنگ می کنند. خواسته اعتصابیون اضافه حقوق بوده است وزیر آموزش و پرورش شخصاً به آنان قول اضافه حقوق و برآوردن خواسته هایشان را داده است. در شهرهای مختلف تعدادی عناصر اوپاش در لباس مردم عادی به فرهنگیان شناخته شده و اعتصابی حمله ور می شوند.

ما محکوم می‌کنیم!

ترور دو تن از شخصیت‌های سیاسی فلسطین، یاران نزدیک پاسر عرفات در آستانه تشدید بحران در منطقه خلیج فارس، جنایتی نابخشودنی است. مقامات فلسطینی این عمل ضد بشری را ناشی از عملکرد مخرب سازمان جاسوسی اسرائیل می‌دانند. ما، این جنایت آشکار را شدیداً محکوم می‌کنیم و به خانواده شهدا و نیز سازمان آزادیبخش فلسطین تسلیت می‌گوئیم.

ما تردیدی نداریم که اینگونه اعمال قادر نخواهد بود مبارزه خلق عرب فلسطین را تضعیف کند.

اینصورت نوعی وابستگی با نوع دیگر مدرن تر تعویض خواهد شد. می‌توان پرسید آیا در شرایط مبارزه علیه رژیم ترور و اختناق و در راه استقرار یک حکومت دمکراتیک، باید درباره آنچه گفته شد، اندیشید؟ نامه دوستان از تهران ضرورت پیشروی در این سمت را به عیان نشان می‌دهد.

متن قطعنامه کنگره

درباره احزاب کمونیست و انقلابی جهان

"کنگره در پایان کار خود به کمیته مرکزی ماموریت می‌دهد که با احزاب کمونیست و انقلابی که متنوع می‌باشند، درباره امکان تبادل نظر، تجارب و عقاید آزاد آنان، مشورت بعمل آورد. همچنین شرایط مبارزه و سهمی که هر یک از ما به نوعی ویژه برای تغییر اوضاع در جهت منافع خلقها می‌توانیم، داشته باشیم، مورد بررسی قرار گیرد."

جامعه ای از مردان و زنان آزاد و برابر، حق زندگی خلقها برای استقلال، عدالت و آزادی، حق حیات برای همه بشریت در جهانی دارای وابستگی متقابل.

در میان نیروهای مترقی گوناگون که تمایل به اقدام مشترک با آنها داریم، هستند نیروهایی که برای ما اهمیت خاصی دارند. آنها کمونیستها و نیروهای انقلابی هستند. از اکتبر سال ۱۹۱۷، سهم این نیروها در مبارزه آزادیبخش خلقها خیلی زیاد بوده است و نفعی آن هم نامعقول و هم خطرناک است.

سپردن تعیین سرنوشت آینده حزب به دست "صاحبان" اصلی آن، اهمیت حیاتی پیدا می‌کند و هیچیک از ما حق نداریم، به هر حلقی، این وظیفه را نادیده بگیریم و یا به آن کم بها دهیم. تشکیل کنگره سوم وقتی عملی خواهد شد که همه ما توده ایها دست به دست هم در صفتی واحد با گام های سریع پیش رویم. در این جا منظور به هیچ وجه اتفاق نظر کامل در مسائل بسیار بفرنج داخلی و خارجی نیست. نظرات مختلف هم در جریان بحث گسترده پیرامون طرحها در حوزه ها و هم در کنگره صیقل خواهد خورد و به هم نزدیک خواهد شد و بالاخره نظر اکثریت فرموله شده ارائه خواهد گردید. این است یگانه راه دمکراتیک پیکوای راه پیشروی.

میلیونی مردم از فقر و مسکنت و بی خانمانی و ... معنا و مفهوم آن بوده است. البته در این راه ما با دشواری های کمی روبرو نبوده ایم. اما، راه نفعی همه فعالیت حزب در گذشته - هم کارهای خوب و هم اعمال ناصحیح - به مانند آنچه برخی از رفا در پیش گرفته اند، در آخرین تحلیل می‌تواند به افراط طبعی و زورگویی و ملی گرایی تجاوزگر منتهی گردد. حزبی که هزاران تن از بهترین فرزندان خود را در راه سعادت انسانها، همبستگی و برادری از دست داده، نمی‌تواند و نباید در این راه پیش رود. به هر حال برای قضاوت درباره فعالیت حزب، این نمایندگان واقعی اعضای آن هستند که باید در کنگره تصمیم بگیرند.

بدینسان تشکیل هرچه زودتر کنگره سوم و

تفسیری کوتاه ...

کشاورزی بر اساس زمین های بالای ده هکتار و در مواردی کمتر با توجه به منطقه مورد نظر، ایجاد صنایع سبک و نیز صنایع کوچک در جنب روستاها، همچنین صنایع غذایی هستند.

هستند کسانی که توجه به اشتغال همگانی دارند و از مکانیزه کردن کشاورزی بیم دارند. بعضی ها مخالف وارد کردن تکنولوژی عقب مانده اند. به نظر آنها، باید تکنولوژی را از کشورهای دارای تخصص در این یا آن رشته وارد کرد و برای نمونه از لزوم واردات لوازم جراحی از چین و الکترونیک از ژاپن و غیره سخن می‌گویند. برخی ما هم می‌گویند، ما باید با ایجاد کارخانه های پتروشیمی از تولید کنندگان عمده فرآورده های نفتی در جهان باشیم.

اینکه جوانان مبارز، در عین مبارزه علیه رژیم در شرایط بسیار حاد و بفرنج درباره آینده مردم و کشور خود می‌اندیشند، امیدوارکننده است. این وظیفه همه نیروهای خواهان سعادت خلق و میهن است. فقط با بحث و تدقیق و تخصص است که ما خواهیم توانست به مدل رشد منطبق با مصالح عالی کشور دست یابیم. به نظر ما، باید دایره این بحث ها را هرچه وسیع تر و مضمون آنها را ژرف تر کرد.

اکنون دیگر برای همه ما روشن است که نظریه پیشرفت در حال حاضر نیاز به بازنگری

نظر حزب ...

سرمایه داری پیشرفته، بحران آغاز می‌شود. آمریکا که در انظار جهان به عنوان مدل رونق مطرح شده است، سیرنزولی اقتصاد شروع شده است. علاوه بر آن، درگیری های نهادی بین سرمایه دارها و جنگ تجاری و مالی بین آنها، یعنی جنگ اقتصادی ادامه دارد. آری، مانند همه جنگ ها، قربانی همیشه یکی است! خلق.

سرمایه داری در جهان سوم هم موجب فاجعه وحشتناک انسانی

هر چه زودتر ...

به اشتباهات حزب را از زوایای گوناگون مطرح کرده اند. در طرح برنامه در این باره توضیح داده شده است. ما هم معتقدیم که باید خود را از اشتباهات گذشته رها ساخت. و بدینسان راه پیشروی را هموارتر کرد. این نظر صحیح است. اما، اینهم واقعیتی است روشن که باید در عین حال آینده مورد نظر و راه رسیدن به آن را دقیق و روشن بیان کرد. آیا آینده برای همه دوستداران رهایی میهن و خلق روشن است؟ حزب توده ایران در طی دوران حیات پنجاه ساله خود با دادن هزاران قربانی کوشیده تا این راه را پیدا کند. دروای می‌توان گفت محتوای هدف ما همیشه انسانی بوده و رهایی توده های

نظر حزب کمونیست فرانسه پیرامون برخی مسائل مهم

اخیرا کنگره حزب کمونیست فرانسه تشکیل شد. نمایندگان ۱۰۹ حزب و از جمله حزب توده ایران در کنگره شرکت داشتند. نماینده حزب توده ایران همراه دیگر نمایندگان، در گردهمایی های کونا کون توده های زحمتکش شرکت کرد و طی سخنرانی و تبادل نظر، ضمن آشنا کردن شرکت کنندگان با تاریخ مبارزات خوین حزب، جنایات رژیم حاکم را نیز افشا کرد.

بدون شک در شرایط بحران حاکم در جنبش کارگری و کمونیستی، کنگره حزب کمونیست فرانسه، دارای اهمیت خاصی بود. ما سعی می کنیم تا خلاصه مسائل مطروح از جانب ژرژ مارشه، دبیرکل حزب را به نظر خوانندگان برسانیم.

حزب ما همانا آزادی انسانی است. این هدف، رویای غیرقابل وصول نیست، بلکه هدفی است بدست آوردنی... همانطور که در طرح قطعنامه به حق نوشته شده، واقعیت و توانایی موجود می توانند موجب پیدایش خواستهایی باشند که ویژگی جهانی دارد، یعنی عدالت، آزادی، صلح و خلع سلاح، بکارگیری علم و تکنولوژی در خدمت انسان. برای اینکه بشریت بتواند به جلوگام بردارد، دموکراسی باید در مرکز این خواستها قرارگیرد.

جامعه ای که این خواست های اساسی را زیر پا بگذارد، دچار بحران عمیق خواهد گردید. چنین است جامعه سرمایه داری. و بدتر از آن جوامع دیروزی اروپای شرقی است. از این به بعد در آنجا سرمایه داری مستقر می شود. همانطور که در طرح قطعنامه نوشته شده است، اکنون ما در مرحله ای پسریمی بریم که رودرویی طبقاتی به مقیاس جهانی و تناسب قوا به نفع نیروهای سرمایه داری مساعدتر است.

ژرژ مارشه، پس از توضیحات لازم درباره ارزیابی اشتباهات گذشته مربوط به فرانسه و همچنین استالینسم گفت: آنچه که این مسائل به ما می آموزند این است که آیا باید بیشتر کمونیست باشیم یا کمتر؟ بحث های موجود در حزب و تدارک کنگره نشان می دهد که باید بیشتر کمونیست باشیم. آنچه را که ما رد می کنیم این نیست که خیلی انقلابی بوده ایم، بلکه برعکس به اندازه کافی انقلابی نبوده ایم...

حزب ما به مثابه حزب طرفدار دموکراسی و سوسیالیسم، یعنی حزب کمونیست فرانسه بیش از گذشته کمونیست است... ما می دانیم که دیگر احزاب کمونیست آن انتخابی را که ما کردیم نکرده اند و برآن شدند تا صفحه ای از تاریخ را ورق بزنند. آنچه که مربوط به ماست، من گفته ام که این تغییرات موجب ترس و هراس ما نیست. اما ورق زدن در چه جبهتی باید باشد؟ اگر منظور بازکردن فصل جدیدی در تاریخ احزاب کمونیست و انقلابی است تا بتوانند خود را از لای چرخ گذشته بیرون کشیده و توده ها را در مبارزه آزادبخش یاری رسانند، ما صمدبار با آن موافقیم و این همان چیزی است که ما هم در تلاش آنیم. اما، اگر برگرداندن صفحه، در جهت مخالف است و می خواهند سوسیال دموکراسی را مستقرکنند، که در آن صورت نباید روی حزب کمونیست حساب کرد...

آیا مبارزه سیاسی علیه سرمایه داری بیهوده است؟ آیا اینکه خلق ما (نه اقلیت ممتاز) باید جامعه را رهبری کند، بی اعتبار است؟ ما این چنین فکر نمی کنیم. نه در فرانسه و نه در جاهای دیگر. این عقیده ما است.

نظر حزب کمونیست فرانسه درباره

عصرکنولی و جهان چیست؟

یکی از مسائلی که بیش از همه جلب توجه کمونیستها را می کند این است که "سمت تحولات جهان به کدام طرف است؟" من تاکید کردم که هدف

ژرژمارشه در آغاز سخنرانی خود گفت: "مسائلی که درباره ما قراردارند کدامند؟" در جهان دگرگونیهای اروپا را چگونه می توان توجیه کرد؟ چهارنجم بشریت غرق در فقر و عقب ماندگی هستند، چگونه می توان آن را علاج کرد؟ در پیشبرد خلع سلاح چگونه می توان سهم شد؟ درباره سوسیالیسم و آنچه که واقعیت دارد، شکست آن و همچنین آینده سوسیالیسم و مسائل بشریت، چه پاسخی می توان داد، البته نه با توسل به شیوه سرمایه داری؟

در فرانسه، آیا باید به بیکاری، خصوصی کردن صنایع، عدم اعتماد به آینده "قهرآمیزتر" شدن هرچه بیشتر زندگی در جامعه رضایت داد و بدان تسلیم شد؟

سرمایه داری بزرگ طبق شیوه همیشگی خود می گوید: ما در دنیای بهتری خواهیم زیست، گرچه غیرانسانی باشد. در جامعه قانون حکومت می کند. باید از آن پیروی کرد و قیام علیه آن فایده ای ندارد. اما هدف کنگره بیست و هتمم ما دادن پاسخی است نوین، مترقی و واقع بینانه.

مرحله ای جدید در زمینه

کیفی اندیشه و زندگی دموکراتیک حزب

شش ماه کار تدارکاتی و سه ماه بحث های جمعی که سرشار از بارآوری، برادری بود و با هدف دموکراتیک دنبال می شد دستاوردی بی نظیر برای ما داشت.

این بحث ها را آغاز کردم و تصمیم گرفتیم که با هم کار کنیم. همه باهم و در تلاش برای پاسخ به همه مسائل مطرح شده و هیچ مسئله ای را نادیده نگیریم و از نظر هیچ کمونیستی بی بهره نمانیم و در سازمان های پایه ای حزب هم در سراسر فرانسه این چنین کاری صورت گرفت. این شیوه عمل، آزادی بیان، گذشت دربرخورده، بهره مند شدن متقابل در بحث ها، دستاوردی است غیرقابل برگشت.

درباره اینکه سرمایه داری توانست مواضع جدیدی بدست آورد، چنین تفسیر می شود که گویا وجود رژیم های مطرود اروپای شرقی تاسف آور بوده است. ما به هیچ وجه چنین چیزی را نمی گوئیم. تاسف ما از رژیمها نیست، بلکه از سیاست رهبران گذشته این کشورهاست که سوسیالیسم را چنان بی اعتبار کردند که خلق هایشان علیه آن برخاستند. ما نمی گوئیم که این خلقها حق ندارند که شورش کنند. اما چه کسی از آب گل آلود ماهی می گیرد؟ طرفداران یک سوسیالیسم دموکراتیک و انسانی یا نیروهای سرمایه داری؟

نظریه گذشته درباره "تناسب قوا" به صورت بلوک بندی از این پس مطرود است. یعنی بلوک در برابر بلوک دیگر وجود ندارد. بلکه نیروهای سرمایه داری در برابر خلقها قرار دارند.

در جهان و در اروپا، سرمایه داری به امکانات جدیدی که تحولات اخیر برایش فراهم کرده نیرومندتر می شود. بلعیدن اروپای مرکزی موجب گردید که اشتباهی آن افزایش یابد. تهدیدات علیه کویا مشخص تر می شود و احتیاط علیه خلق فلسطین قهرآمیزتر می گردد. در همه جهان، نگرانی خلقها که خواستار خلاصی از سیادت امپریالیست ها هستند، افزایش یافته است.

این نگرانی بخصوص درباره خلیج فارس حادث شده است. طی پنج هفته آینده، ممکن است که جنگ در این منطقه عوارض وحشتناکی را برای خلق های شرکت کننده در آن و همچنین برای خلق ما بوجود آورد.

آینده به سرمایه داری تعلق ندارد

در دوره اخیر، سرمایه داری مواضعی بدست آورده است. اما این، به معنی تعلق آینده به آن نیست. سیاست سرمایه داران در جهت مخالف خواسته های بنیادین عصر ما سیر می کند. در همه کشورهای

ادامه در ص ۷

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 341

January 22 1991

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

نامه مردم

بها: ۲۰ ریال